

ساختار اقتصادی ج.ا. و ضرورت دگرگونی آن!

«بورس لندن»

میعادگاه سیاسی-اقتصادی ماfiای تجاری ج.ا.

ع. سهند

بحران آفرینی بر سر راه کار عادی مجلس ششم، فرصت‌های مهمی را برای تصویب لوایح اساسی از این مجلس گرفته‌است و بیم آن می‌رود که جنجال آفرینی‌های سیاسی، همچنان بر محور فلج‌سازی این مجلس عمل کند.

همین امر موجب شده‌است تا، پیگیرترین نمایندگان فراکسیون جبهه مشارکت ایران اسلامی، که فراکسیون اکثریت این مجلس است عملاً بجای اقدام مستقل مجلس، برای انجام وظائفی که برعهده مجلس است، متولیانی را در خارج از حوزه قانونی مجلس جستجو کند!

برای نمونه، «علی شکوری راد»، عضو هیات رئیسه مجلس و عضو رهبری جبهه مشارکت ایران اسلامی در مجلس ششم، پیرامون نقش آقازاده‌ها و ابوی آنها در حاکمیت، که مجلس موظف به افشای قانونی و بستن قانونی دست آنها از ثروت کشور است می‌گوید:

«... این موضوع به حدی ریشه‌دار و عمیق شده است که شاید به راحتی نتوان از عهده درمان آن برآمد. تنها در صورتی که عزم جزمی در کانون‌های اقتدار نظام برای برخورد با این مسئله پیدا شود، شاید بتوان آن را مهار کرد و از توسعه آن جلوگیری نمود یا دامنه آن را کاهش داد... بررسی مواردی همچون این که واردات شکر در کشور توسط چه کسانی، با چه ارزی و با استفاده از حیثیت چه افرادی صورت می‌گیرد و به چه قیمتی در داخل کشور به فروش می‌رسد، کار دشواری نیست. همین طور بررسی واردات برنج، گندم و ... مهم این است که کسی متولی این کار شود و شاید مجلس شورای اسلامی در صورت به دست آوردن فرصتی، یک بررسی در این زمینه‌ها انجام دهد. بعنوان مثال بیائیم و در امر واردات شکر یک تحقیق و تفحص انجام دهیم» (۱)

اگر این سخنان تنها نخواهد یک اشاره سیاسی به امثال آیت‌الله مصباح یزدی، بعنوان سلطان واردات شکر در ایران نباشد و در پی چاره‌اندیشی همه جانبه باشد، باید گفت: چرا مجلس باید دنبال متولی این امر در خارج از مجلس باشد؟

وقتی مخالفان جنبش در پشت شعارهای اقتصادی و توسعه اقتصادی پنهان شده‌اند، چه فرصتی مغتنم‌تر از کنار زدن پرده‌ها و نشان دادن چهره‌ها و واقعیات پشت این پرده؟ این که دیگر نه بر چسب تسامح و تساهل به آن می‌چسبد و نه با اتهام ارزش‌گریزی اسلامی!

راه‌توده، بیش از یکسال پیش و بمناسبت گشایش مجلس ششم نوشت: «... باید با ارائه لوایحی که ساختار مافیائی اقتصاد جمهوری

اسلامی را فاش و در جهت دگرگون کردن آن تدوین شده باشد، مردم را هرچه بیشتر با این ساختار آشنا ساخته و سنگر استواری برای تحولات اقتصادی در جامعه و به سود توده مردم برپا داشت.» (۲)

متأسفانه مجلس ششم، در آغاز سال دوم حیات خود، هنوز نتوانسته‌است به وظائفی که در عرصه اقتصادی و حکومتی قانون برعهده‌اش گذاشته‌است عمل کند.

در واقع بحث پیرامون اعضای کابینه، پیش از آنکه ترکیب کابینه را بعنوان نقطه مرکزی سمت‌گیری برنامه‌های دولت در نظر بگیرد، باید سمت‌گیری عمومی برنامه‌های اقتصادی کشور را زیر ذره‌بین بگذارد. با یادآوری مسئولیت قانونی نمایندگان مجلس در تحقیق و تفحص پیرامون واردات برنج، گندم، شکر، روغن، لاستیک و عقد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی، در اینجا منحصرأ نقشی مافیای اقتصادی در امر واردات شکر را بررسی می‌کنیم.

تخریب طرح توسعه شکر

طرح توسعه نیشکر، بزرگترین طرح صنعتی-کشاورزی ایران است که اجرایش از سال ۶۸ در برنامه اول توسعه کشور پیش بینی و قرار بود در آن هفت متجمع کشت و صنعت نیشکر، با ۳۳ کارخانه جانبی و ۷ کارخانه تولید شکر ایجاد شود. در آغاز پیش بینی شده بود که این طرح تا پایان سال ۷۲ به مرحله بهره‌برداری برسد، ولی با گذشت نزدیک به ۱۲ سال و هزینه شدن همه اعتبارات پیش بینی شده، هنوز حتی ۲۵ درصد این طرح به مرحله عمل در نیامده‌است.

هنگام تدوین برنامه اول پنجساله توسعه، وزارت کشاورزی و معاونت مربوطه، طرح توسعه نیشکر را با این مدعا که ظرف ۵ سال، یعنی تا پایان برنامه اول در سال ۷۲، با رقم ریالی چهار صد میلیارد ریال به پایان خواهد رسید در برنامه اول گنجانده‌اند. در سال ۱۳۷۰، همزمان با سفر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت برای افتتاح عملیات اجرائی در یکی از واحدهای هفتگانه و عده زمانی دو سال به عقب انداخته شد و سال ۱۳۷۴ بعنوان سال اتمام طرح اعلام شد. در آزمون وی در سخنرانی خود گفت: «ومن ذره‌ای هم احتمال نمی‌دهم که طرح به موقع به بهره‌برداری نرسد، چون همه وسائل کار آماده‌است.»

در سال ۱۹۷۵ وزیر کشاورزی و معاون او بمناسبت هفته دولت اعلام کردند که «فقط اولین کارخانه شکر (و نه هفت کارخانه شکر، هفت کارخانه خوراک دام، دو کارخانه کاغذ، یک کارخانه فیبر نیمه سبک و یک کارخانه پروتئین تک سلولی) انشاء الله در سال ۱۳۷۶ به بهره‌برداری خواهد رسید.» (۳) اما هنوز هم حتی یکی از این واحدها به بهره‌برداری نرسیده است.

روزنامه بهار در سال ۷۹ نوشت: «... از سوی دیگر، تعداد قابل توجهی از نمایندگان خوزستان در مجلس پنجم و برخی از کارشناسان و مقامات اقتصادی سوء استفاده‌های مالی، حیف و میل بیت‌المال، سهل‌انگاری و سوء مدیریت این طرح را دلیل اصلی به سرانجام نرسیدن آن می‌دانند. به اعتقاد آنان تاکنون همه اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح شامل چهار صد میلیارد ریال و ۵۵۰ میلیون دلار هزینه شده در حالی که پیشرفت فیزیکی طرح فقط ۲۵ درصد است. برخی نمایندگان خوزستان در مجلس پنجم پیش از این اعلام کردند که سوء مدیریت در اجرای طرح باعث ۴ برابر شدن هزینه اجرای آن شده‌است. خرید بی‌مورد بسیاری از ماشین‌آلات کشاورزی و خدماتی، پرداخت بی‌رویه و خارج از ضوابط به

پیمانکاران و ایجاد برخی مراکز غیر ضروری از جمله دلایل این سوء مدیریت عنوان شده است.» (۴)

ابراز این دیدگاه‌ها در مجلس، تصویب طرح تحقیق و تفحص از طرح توسعه نیشکر را در شهریور ماه سال ۷۸ در پی داشت، اما نتایج این طرح هرگز رسماً اعلام نشد! قرار بود در واپسین روزهای فعالیت مجلس پنجم نتایج تحقیق و تفحص اعلام شود، اما به دلایلی نا معلوم این کار انجام نگرفت.

آن دست‌های پر قدرتی که مانع از هرگونه تحقیق و تفحص می‌شوند و بصورت گرو کشی و تهدید و حتی تهدید ترور طرف مقابل، مافیای تجاری را گسترش داده‌اند چرا نباید معرفی شوند؟ اینکه رهبران و سران مافیای، هر کدام حوزه‌های اقتصادی را برای خود بوجود آورده و به زبان اشاره به هم صحبت می‌کنند و مانع از تعرض به محدوده‌های یکدیگر می‌شوند امری است مربوط به آنها، تکلیف مردم چه می‌شود؟ برنج، چای، نساجی، فولاد سازی، لوازم خانگی، لوازم برقی، زیره، زعفران و ۰۰۰ با حیات مردم و بحران اقتصادی جاری در کشور پیوند خورده است. (در همین شماره راه‌توده، اخبار صفحه "اخبار جنبش کارگری" را بخوانید)

بزرگترین طرح صنعتی-کشاورزی کشور که قرار بوده در پایان برنامه اول به پایان برسد، هنوز در سال دوم آغاز برنامه سوم، آماده بهره برداری نشده است و ظاهراً هزینه شده است!

چرا مجلس نتواند رسماً و علناً این مورد و موارد مشابه را از میان سخنرانی‌های نماز جمعه هاشمی رفسنجانی و اظهاراتش در مصاحبه‌ها و افتتاح طرح‌ها استخراج کرده و رسماً از وی سئوال کند که اشکال کار در کجا بوده است؟ آیا در این باره هم باید مانند مسئله ادامه جنگ با عراق و فرصت مهمی که پس از پایان آتش بس فراهم آمد، آنقدر صبر کرد تا با مرور زمان، بدهکارانی از نوع خود ایشان و سرداران جنگی‌اش مانند "محسن رضائی"، طلبکار شوند؟

در خرداد سال جاری، روزنامه "آفتاب یزد" گزارش داد:

« طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن در صورت تامین اعتبار لازم در سال جاری، با تولید دو میلیون تن محصول در سال، تا پایان سال ۱۳۸۳ به بهره‌برداری کامل می‌رسد. نسیم صادقی قائم مقام شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی افزود: برای تکمیل نهائی این طرح، کارخانه‌های کاغذ که از زمره صنایع جنبی آن هستند، نیازمند ۶۵۰ میلیون دلار سرمایه ارزی می‌باشند. این چهار کارخانه با ظرفیت ۳۵۰ هزار تن کاغذ چاپ و تحریر در سال طراحی شده‌اند. سرمایه‌گذاری اولین برای این کارخانه‌های کاغذ ۳ هزار میلیارد ریال پیش بینی شده که با توجه به مطالبات دولت ایران از مصر و موضوع فاینانس کاغذ، دولت هنوز در این رابطه تصمیم نگرفته و در حال بررسی است. وی افزود طرح توسعه نیشکر و صنایع جنبی تاکنون قریب به ۶۰ درصد پیشرفت کلی داشته و ۸۵ درصد فعالیت‌های زیر بنائی طرح نیز انجام شده است.» (۵)

این است سرانجام یکی از بزرگترین طرح‌های صنعتی کشور طی دوران سازندگی، که هاشمی رفسنجانی همچنان در نماز جمعه‌های تهران آن را پشتوانه کارنامه سیاسی‌اش کرده است.

دلایل بحران

مجلس پنجم هیچگاه نتایج تحقیق و تفحص طرح توسعه نیشکر را اعلام نکرد. اکنون وظیفه مجلس ششم است که رسیدگی به این طرح را در صدر برنامه‌های خود قرار دهد. برآستی مردم حق ندارند بپرسند:

رسیدگی به موضوعی با این اهمیت مهم‌تر است یا صرف وقت و انرژی مجلس برای تهیه و تصویب لوایحی مانند اعزام دانشجوی دختر به خارج از کشور؟

عیسی کلانتری وزیر کشاورزی، در پائیز سال ۷۸ در بیست و یکمین سمینار قند و با اشاره به بحث توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن گفت: « به نظر من برخی از این مخالفت‌ها توسط دلانان شرکت‌های خارجی صورت می‌گیرد. آنها نمی‌خواهند در داخل کشور شکر تولید شود و ایران شکر کمتری وارد کند!» وی در جای دیگری می‌گوید: « ۰۰۰ ما وظیفه داریم به رغم مخالفت‌های بسیاری که صورت می‌گیرد به کشاورزی کمک کنیم. آیا به ذهن کسی خطور کرده است که در ۲۰ سال گذشته ۱۵ میلیون تن شکر به ارزش دست کم ۶ میلیارد دلار وارد کرده‌ایم؟»

راه‌توده برای اولین بار افشاء کرد که مصباح یزدی در راس مافیای شکر جمهوری اسلامی قرار داد. حیات مالی و قدرت سیاسی این مافیا در گرو وارد کردن شکر از خارج و ویران کردن مزارع و صنایع داخلی است.

این مافیای، با چنگ انداختن بر بنیاد مستضعفان و وزارت بازرگانی و با حضور موثر در مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی اقتصاد، واردات، توزیع و تولید داخلی قند و شکر را در اختیار گرفته است. واحدهای تحت پوشش سازمان کشاورزی بنیاد مستضعفان سال گذشته با استفاده از یک میلیون تن چغندر قند ۱۲۰ هزار تن قند و شکر تولید کرد. با توجه به اینکه میزان قند و شکر مورد نیاز کشور سالانه بین یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن تا یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن متغیر است، واحدهای تحت کنترل بنیاد مستضعفان بین ۵۰ تا ۵۵ درصد قند و شکر مورد نیاز را تولید کرده و بقیه آن را از خارج وارد می‌کند. در این گزارش‌ها هرگز اشاره نمی‌شود که کارخانجات قند و مزارع تولید چغندر قند که تحت سرپرستی آستانقدس رضوی است در چه موقعیتی قرار دارند و چه بر سر آنها آمده است که تنها در یک قلم، بنیاد مستضعفان بین ۵۰ تا ۵۵ درصد قند و شکر مورد نیاز را تولید کرده و بقیه را از خارج وارد می‌کند؟

حال ببینیم مافیای شکر چگونه در حاکمیت و هدایت بازرگانی خارجی نقش ایفاء می‌کند! بنیاد مستضعفان در سال ۷۷ بطور رسمی خواهان لغو قیمت گذاری شکر تولید داخلی و کناره گیری وزارت بازرگانی از توزیع انحصاری قند و شکر شد.

سرمایه‌داری تجاری سنتی و مافیای شکر، بی سروصدا و به آسانی موفق شد این خواست خود را در برنامه سوم، بعنوان بخشی از سیاست‌های کلان اقتصادی کشور بگنجانند. فصل چهارم قانون برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) که ظاهراً به تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی اختصاص دارد، طی مواد ۲۸ تا ۳۵ برای خدمات پستی و مخابرات، خرید برگ سبز چای، راه‌آهن، دخانیات، توزیع قند و شکر، نفت و گاز و بیمه راه حضور بخش غیر دولتی را باز می‌کند. (۸)

جهت کمک به خوانندگان خود، برای تجسم سود نجومی مافیای قند و شکر، از همین رفع انحصار دولتی قند و شکر، یادآور می‌شویم که نزدیک به ۷۰ سال پیش، هزینه احداث اولین قطار سراسری ایران، از مالیات بر مصرف قند و شکر جمعیت ۱۰ میلیونی آنروز ایران تامین شد.

وزارت بازرگانی و دولت هم بجای وارد شدن به مبادلات پایاپای با دولت کوبا که یکی از بزرگترین تولید کنندگان شکر در جهان است، همچنان به خرید شکر وارداتی از بازار بورس لندن ادامه می‌دهد.

کسی نمی‌داند و جائی هم منتشر نشده‌است که در جریان سفر فیدل کاسترو به ایران، که برای نخستین بار در سال جاری انجام شد و یک هیات بزرگ اقتصادی نیز همراه وی بود، صحبتی هم در باره صنعت نیشکر، استفاده از کارشناسان کوبا و یا حتی خرید نیشکر از کوبا شد؟ و یا دیدار سیاسی کاسترو از ایران، ارتباطی با فعالیت مافیای شکر جمهوری اسلامی در بورس لندن ندارد و هرکس دیدار خود را می‌کند: **کاسترو از ایران دیدن می‌کند و مصباح یزدی از لندن!**

در حال حاضر بنا به آمار رسمی وزارت بازرگانی، کمتر از یک در صد از شکر وارداتی کشور از کوبا وارد می‌شود. در نتیجه این سیاست که حاصل سلطه سرمایه‌تجاری سنتی بر حیات اقتصادی کشور است، دو سال پیش که بهای نفت در بازار جهانی حدود ۹ دلار در بشکه بود، جمهوری اسلامی بجای مبادله پایاپای نفت با شکر کوبا (توجه به حجم واردات شکر سالانه به داخل کشور باید بود) از یک طرف نفت کشور را بخاطر بدست آوردن ارز خارجی به قیمت بشکه‌ای ۶ دلار پیش فروش کرد و از طرف دیگر این ارز را در بازار بورس لندن صرف خرید شکر کرد و توزیع داخلی آن را نیز به مافیای شکر سپرد. مافیائی که در تمام این مراحل فعال است!

گلوی کشاورزان در پنجه مافیا

روزنامه "دوران امروز"، سال گذشته طی گزارشی نوشت که کارخانه قند دزفول یک میلیارد و چهار صد میلیون تومان به کشاورزان بدهکار است. سهام کارخانه قند دزفول بعد از انقلاب در اختیار موسسه فرهنگی "امیرالمومنین" قرار گرفت. سرپرستان این موسسه "یزید وار" به غارت کارخانه و کشاورزانی که با آن طرف معامله بودند پرداختند. علی‌اشتری، یکی از معاونان وزیر اسبق کشاورزی که مدیرعامل این کارخانه‌است، در حال حاضر متواری است و در پناه سرپرستان مافیای شکر به سر می‌برد.

بنا به گزارش همین روزنامه «بیش از ۵۰ تن از نمایندگان چغندر کاران شهرهای دزفول، شوش‌دانیال و اندیمشک در اعتراض به مدیریت کارخانه قند دزفول در مقابل دفتر مرکزی این کارخانه تجمع کردند. یکی از نمایندگان کشاورزان در این زمینه گفت: «کارخانه قند دزفول بیش از یک میلیارد و چهار صد میلیون تومان به چغندرکاران بدهکار است. کشاورزان چغندرکار کشت سال گذشته خود را در ماه‌های اردیبهشت و خرداد به کارخانه قند دزفول فروخته‌اند و براساس قرار داد منعقد شده میان آنها و مدیر عامل کارخانه مقرر شد پول چغندرکاران طی دو قسط در ماه‌های مرداد و مهر سال جاری پرداخت شود. چند ماه پیش مسئولان کارخانه قند دزفول طی نشستی به فرماندار شوش دانیال تعهد کتبی دادند تا پایان دیماه پول کشاورزان را پرداخت نمایند.» یکی دیگر از نمایندگان کشاورزان گفت: «در سال‌های گذشته شرکت چغندر قند دزفول از بانک صادرات برای کشاورزان وام می‌گرفت و این تسهیلات صرف آماده سازی زمین برای کشت جدید می‌شد. به موجب قراردادهای شرکت مذکور وام را از زمان شروع کاشت از بانک دریافت کرده و در اختیار کشاورزان قرار می‌داد و هنگام برداشت چغندر مبلغ وام و سود آن را از پول خرید چغندرها کسر کرده و باقی را به کشاورزان پرداخت می‌کرد. در مقابل بازپرداخت این وام برعهده شرکت چغندر قند دزفول بود. در سال ۱۳۷۷ شرکت براساس همین شرایط و قراردادهای حدود ۶۰۰ میلیون تومان از بانک صادرات شعبه مرکزی شوش دانیال وام گرفته و به کشاورزان پرداخت کرده‌است. مثل هر سال، هنگام فروش محصول پول وام و سود آن از کل مبلغ پرداختی به کشاورزان بابت فروش چغندر کسر شده، اما شرکت مذکور از پرداخت وام به بانک خودداری کرده‌است.» (۹)

این نمونه‌ای از وضعیت کشاورزان ایرانی نشان می‌دهد که اولاً بانک‌های دولتی از پرداختن مستقیم وام به آنها کوتاهی می‌کند و پای واسطه‌های وابسته به بنیادها و موسسه‌های وابسته به مافیای اقتصادی را به میان می‌کشند و ثانیاً غارت کنندگان، هم پول کشاورزان را بالا می‌کشند و هم بدهی خود به بانک‌ها را به گردن کشاورزان می‌اندازند!

زیر نویس‌ها:

- ۱- حیات‌نو ۲۵ فروردین ۸۰؛ ۲- گشایش پیروزمندانه مجلس ششم- راه‌توده شماره ۹۶؛ ۳- رسالت ۸ تیر ۷۵؛ ۴- بحران در کمین طرح توسعه نیشکر است- روزنامه بهار ۲۴ خرداد ۷۹؛ ۵- آفتاب یزد ۸ خرداد ۸۰؛ ۶- کلام‌تلخ، کام شیرین مصباح یزدی- راه‌توده شماره ۹۶؛ ۷- نگاه کنید به خرداد ۲۷ دی ۷۷ و صبح امروز ۲۶ دیماه ۷۷؛ ۸- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)؛ ۹- دوران امروز اول اسفند ۷۹